

پیشنهاد صلح برای طالبان و یک نکته باریکتر از مو

"... حکومت وحدت ملی به دنبال یک صلح واقعی و پایدار با طالبان آشتی پذیر است. ما به تساوی مشترک تمامی افغان ها و حق زندگی صلح آمیز و با وقار، به شمول طالبانی که از خشونت دست بردارند، باورمند هستیم. ما این پیشنهاد را بدون پیش شرطی، به منظور دست یابی به موافقتنامه صلح که شامل موارد ذیل باشد، ارائه می نمایم:

۱ - تأمین حقوق و مکلفیت های تمامی اتباع (به ویژه [به خصوص] زنان) مطابق قانون اساسی؛

۲ - پذیرفتن قانون اساسی و یا تعدیل آن مطابق احکام قانون اساسی؛

۳ - پیش برد فعالیت های نیرو های دفاعی و امنیتی و خدمات ملکی در مطابقت با قانون؛ و

۴ - اجازه ندادن [فعالیت] برای هیچ گروه مسلحی که با شبکه های تروریستی فراملی، سازمانهای تبهکار فراملی و نهاد های دولتی و یا غیر دولتی که به دنبال نفوذ در افغانستان می باشند..."

با چند و چون این پیشنهاد و اما و مگر های آن کاری نداریم و با اینهم کاری نداریم که بالای این پیشنهاد چه تعداد افراد و چند ماه و یا سال کار کرده و با مشوره های متداوم با مشاوران داخلی و خارجی این پیشنهاد را آماده ساخته اند.

خوب میدانیم که در چنین مشوره های متداوم، یا گرفتن رای مردم اصلاً مطرح نبوده است و یا هم اگر بوده باشد، به انتهای لیست قرار داشته است.

با در نظر داشت این اصل که "قانون اساسی" کشور در شرایط کنونی حتی بالای یک والی نیز قابل تطبیق نیست، قانون گریزی و قانون ستیزی در کشور بیداد میکند و قانون نزد زورآوران و زورگویان و زور فروشان و زور خران، حکم در یخ نوشتن و در آفتاب گذاشتن را دارد؛ از تولد و ترازی این وثیقه "صلح" میگذریم و می پردازیم به همان نکته باریکتر از مو که در بالا ذکر خیر آن رفت و تحت شماره (۴) نشانی شده است.

یکبار دگر ماده چهارم را از نظر میگذرانیم، باز هم با در نظر داشت اینکه تعداد بیشماری از افراد و اشخاص و برای مدت طولانی بالای آن کار نموده و آنرا تهیه و تدوین کرده اند:

۴ - اجازه ندادن [فعالیت] برای هیچ گروه مسلحی که با شبکه های تروریستی فراملی، سازمانهای تبهکار فراملی و نهاد های دولتی و یا غیر دولتی [خارجی] که به دنبال نفوذ در افغانستان می باشند.

نخست میرویم سراغ معنی و تفسیر لغت یا اصطلاح "ملی":

الف - ملی: (صفت) منسوب به ملت: ۱ - مربوط به ملت (آیین دین). ۲ - مربوط به ملت (سکنه یک کشور)

(فرهنگ فارسی به فارسی آنلاین)

ب - ملی . [م.ل.لی] (ص نسبی) منسوب به ملت و آنچه که در ید و اختیار ملت است. (پارسی ویکی)

با در نظر داشت تعریف "ملی"، "فرا ملی"، می شود فراتر از ملی، یعنی بین المللی یا جهانی.

در بند، یا ماده چهارم این "پیشنهاد صلح"، مقامات مسؤل گویا واضحاً به جنگجویان طالب تفهیم میکنند که برای آنان و هر گروه مسلح دیگر اجازه نمی دهند که با شبکه های تروریستی فراملی، سازمانهای تبهکار فراملی و نهاد های دولتی و یا غیر دولتی [خارجی] که به دنبال نفوذ در افغانستان می باشند، همکاری نموده فعالیت کنند و...

ماده چهارم، در حقیقت خودش معیوب است، هم از نظر گرامر و ادبیات دری، هم از نظر محتوا و هم از نظر افهام و تفهیم واضح، روشن و دقیق که هیچ خالیگاه مورد سوال و مناقشه نداشته باشد.

این در حالیکه می شود از ماده چهارم چنین نیز برداشت نمود که طالبان و هر گروه مسلح دیگر که از این "پیشنهاد صلح" استقبال کنند و به جای جنگ، صلح نموده و به حکومت بپیوندند، آزاد اند و می توانند و اجازه دارند تا با شبکه های تروریستی گویا "ملی"، یعنی داخلی و نیز سازمانهای تبهکار داخلی، در تماس باشند.

حال اگر نویسندگان وثیقه یاد شده تعریف مشخصی از "تروریست فراملی" و "تبهکار فراملی" دارند، پس باید یک تعریف مشخص هم برای "تروریست ملی" و "تبهکار ملی" داشته باشند، که با یقین ندارند.

در حقیقت ماده چهارم این "پیشنهاد صلح"، تائید میکند که در افغانستان شبکه های تروریستی "ملی" و سازمانهای تبهکار "ملی" وجود دارند.

اگر قبول کنیم که این جمله مریض و معیوب، صرف یک قلم فرسائی نابجا و بی مورد بوده است و می توانسته است این چنین باشد، (شبکه های تروریستی خارجی، سازمانهای تبهکار خارجی)، باز هم یک راه گریز را به جانب مقابل پیشکش میکند که در ارتباط با شبکه های تروریستی داخلی و سازمانهای تبهکار داخلی؛ دست آزاد دارند.

با درد و دریغ که این "پیشنهاد صلح"، چنان معیوب و سوال برانگیز است که میتوان در مورد هر ماده آن چندین صفحه نوشت، اما بگفته شاعر:

چه خوش است راز گفتن به حریف نکته سنجی

که سخن نگفته باشی، به سخن رسیده باشد